



پیرامون مسائل روز، حوزه آذربایجان و قفقاز



سر دبیر سایت ضیاء الصالحین

این شماره تقدیم میشود به

**سر لشکر پاسدار شهید
غلامرضا سلیمانی**

سردار سر لشکر پاسدار شهید غلامرضا سلیمانی فرمانده سازمان بسیج مستضعفین در حمله تروریستی دشمن آمریکایی - صهیونیستی به شهادت رسید



هفته نامه دیجیتال افق قفقاز | تهیه شده در رسانه بنیاد فرهنگی تربیتی ضیاء الصالحین | شماره دهم / ۱۰ | پنجشنبه ۰۶ فروردین ۱۴۰۵ | www.ziaossalehin.ir

بصیرت در برابر حق نماها

هشدار در باره صلح تحمیلی ذلت بار به ولی فقیه



سر مقاله

#ابوکاظم_حسینی

در بحبوحه جنگ با دشمنان، آنچه به عنوان «آتش بس» یا «شروط پایان جنگ» مطرح می‌شود، یک اختلاف نظر تاکتیکی نیست، بلکه تقابل دو نگاه بنیادین به مسیر انقلاب اسلامی است. این نوشتار با تکیه بر مبانی دینی (از منظر امام خمینی و فقه جهاد)، تحلیل مستند از عملکرد چند دهه برخی سیاسیون و بررسی دقیق شروط پنج‌گانه منتسب به یک مقام امنیتی، به این نتیجه می‌رسد که جریانی از «حق‌نماهای» بدسابقه در ساختار قدرت، در تلاش برای تحمیل صلح ذلت‌بار به امام خامنه‌ای و تکرار تجربه شکست‌خورده مذاکرات ذلت‌بار هستند. بصیرت واقعی، فریب نخوردن از این جریان و تشخیص هم‌دستی با جانی از تشویق او به جنایت بیشتر است.

۵. به رسمیت شناختن حق حاکمیت ایران بر تنگه هرمز با تضمین‌های بین‌المللی این بند خنده‌دارترین و خطرناک‌ترین شرط است. چیزی که به ذات متعلق به ایران است را چرا باید از دشمن «اجازه» گرفت؟ نظر رهبری این بوده که مسدودسازی تنگه هرمز به عنوان اهرم فشار باید همواره در دستور کار باشد؛ نه اینکه درباره آن مذاکره کنیم. مذاکره بر سر حاکمیت ایران، عقب نشینی از مواضع اصولی است.

۱. توقف کامل «تجاوز و ترور» توسط دشمن تاریخ نشان داده که دشمن هیچ‌گاه به آتش بس پایبند نبوده و همیشه با بهانه‌ای واهی آن را نقض کرده است. مطرح کردن چنین شرطی بدون تضمین‌های واقعی، صرفاً فرصتی برای بازسازی قوای دشمن است و عجیب است که چنین شرطی از سوی کشور ما مطرح می‌شود!

۲. سازوکارهای مشخص برای اطمینان از عدم تحمیل مجدد جنگ این شرط نیز در عمل به دلیل فقدان ضمانت‌های اجرایی، بیش از آنکه بازدارنده باشد، نوعی اعتراف به پذیرش وضعیت موجود و پایان‌دهی زود هنگام به پیکار است. (یعنی اجازه مجدد بازسازی قوا برای دشمن) تجربه ثابت کرده آموزده را آزمون خطاست.

۳. پرداخت تضمین‌شده خسارات و غرامت‌های جنگی سؤال اساسی این است: چه نهادی ضمانت اجرای این پرداخت را بر عهده دارد؟ آیا رهبر انقلاب قسم نخورده‌اند که تا پایان انتقام همه خون شهدا، پا پس نخواهند کشید؟ این شروط به نام «دیپلماسی» می‌خواهند عملاً آن سوگند را بشکنند و آگاهانه به سمت و سویی می‌روند که نتیجه آن بی‌اعتبارسازی جایگاه رهبری در چشم ملت شود. (مسئله‌ای که رهبر معظم انقلاب برای غرامت مطرح فرمودند، سازوکارش متفاوت‌تر از این ادعای شماس است.)

۴. پایان جنگ در تمام جبهه‌ها و برای همه گروه‌های مقاومت این شرط نه تنها با ماهیت محور مقاومت که بر اساس پیوستگی جبهه‌ها شکل گرفته، ناسازگار است، بلکه تلاشی برای تعیین تکلیف از سوی تهران برای گروه‌های مستقل مقاومت محسوب می‌شود که خود خلاف راهبرد کلان اعلامی رهبری است.

۵. به رسمیت شناختن حق حاکمیت ایران بر تنگه هرمز با تضمین‌های بین‌المللی این بند خنده‌دارترین و خطرناک‌ترین شرط است. چیزی که به ذات متعلق به ایران است را چرا باید از دشمن «اجازه» گرفت؟ نظر رهبری این بوده که مسدودسازی تنگه هرمز به عنوان اهرم فشار باید همواره در دستور کار باشد؛ نه اینکه درباره آن مذاکره کنیم. مذاکره بر سر حاکمیت ایران، عقب نشینی از مواضع اصولی است.

مقدمه: بصیرت واقعی چیست؟

انسان با بصیرت کسی نیست که صرفاً حق را از باطل آشکار تشخیص دهد. بصیرت واقعی آن است که در میان هیاهوی حق‌نماها - از کسانی که لباس خدمت بر تن دارند اما مسیرشان با عزت و آرمان‌های انقلاب فاصله دارد - فریب نخورد. امروز ما با پدیده‌ای مواجهیم که عده ای در لباس خدمت، سال‌هاست در مسیری حرکت می‌کنند که با صراحت بیانات رهبری انقلاب (چه در گذشته و چه در حال) هم‌سو نیست؛ از سیاست‌های اقتصادی گرفته تا پرونده مذاکرات هسته‌ای و اکنون مهم‌تر از همه، مدیریت جنگ!!!

بخش اول: آتش بس؛ از تشویق جانی، تا «هم‌دستی با جانی»

آتش‌بسی که در جنگ ۱۲ روزه اعلام شد و متأسفانه با وجود هشدارهای مکرر، گوش شنوایی نیافت، از نظر بنیانگذار انقلاب اسلامی، امام خمینی (قدس سره)، مصداق بارز «تشویق جانی به جنایت بیشتر» بود. ایشان با نگاه توحیدی و درک عمیق از ماهیت استکبار، آموختند که هر عقب‌نشینی در برابر دشمن متجاوز، جز گستاخی او را در پی ندارد.

اما امروز، طرح دوباره آتش بس و شروط پایان جنگ، فراتر از این‌هاست. در شرایطی که دشمن فوج‌ترین جنایات را مرتکب شده، پیشنهاد آتش بس دیگر تشویق جانی نیست؛ این اقدام، مصداق «هم‌دستی عملی با جانی» و خیانت به مکتب اسلام، انقلاب، خون شهدا و امام شهادت است. امامین انقلاب که تمام همت خود را بر عزت اسلام نهاده بودند، چنین همراهی با دشمن را خط قرمز می‌دانستند.

بخش دوم: آیا امکان تحمیل نظر بر امام جامعه وجود دارد؟

برخی می‌گویند وقتی هم امام جامعه، هم نیروهای مسلح، هم مردم و هم سیاسیون بر ادامه جنگ و انتقام از دشمن متفق‌اند، امکان تحمیل نظر بر امام جامعه وجود ندارد. اما سؤال این است: چگونه می‌توان به سیاسیونی خوش‌بین بود که طی چند دهه بارها برخلاف نظرات صریح و مؤکد رهبر انقلاب عمل کرده و همچنان به جسارت‌ورزی خود ادامه می‌دهند؟

در همین دولت کنونی، موارد متعددی از مخالفت با فرمان رهبر انقلاب در خصوص مذاکره ثبت شده است و همه ما به عینه دیدیم که مذاکرات غیرهوشمندانه و غیرشرافتمندانه چه بود و چرا اصرار بر تکرار آن کماکان ادامه دارد؟!

در جریان جنگ اخیر، چگونه می‌توان سخنان عراقچی درباره «ترور رهبر انقلاب» چند روز پیش از شهادت ایشان، معذرت‌خواهی رئیس‌جمهور از کشورهای خائن خلیج فارس، و انبوه مصاحبه‌های منفعلانه با رسانه‌های خارجی را نادیده گرفت؟ همه اینها تصویری از آمادگی برای عقب‌نشینی را جایگزین روحیه مقاومت می‌کنند.

بخش سوم: کودتای نیمه‌تمام و عدم برخورد با کودتاگران

فراتر از اینها، چگونه می‌توان کودتای دو ماه پیش و یا جنگ رمضان و آن دست‌اندرکارانی را که تا امروز شناسایی، معرفی و مجازات نشده‌اند، فراموش کرد؟ آیا این پرده‌پوشی، خود نشانه‌ای از نفوذ و ناامنی در سطوح تصمیم‌گیری نیست؟ همین دوصدایی و همراهی نکردن برخی سیاسیون بدسابقه و متمرد با خط ولایت، و برخورد نکردن قاطع با کودتاچیان، قوی‌ترین دلیل بر این است که باید به جریان نفاق، محافظه‌کار و کودتاچی درون ساختار به شدت بدبین بود.

بخش چهارم: بررسی پنج شرط مطرح‌شده؛ کارشکنی در

لباس دیپلماسی و امنیت در این فضا، پرس‌تی‌وی در گزارشی به نقل از یک مقام ارشد سیاسی-امنیتی ایران، پنج شرط برای پایان جنگ مطرح کرده که متأسفانه صداسیمای ما نیز به آن ضریب داده است. این شروط در حالی ارائه می‌شود که گویا دو پیام صریح رهبر معظم انقلاب اسلامی نادیده گرفته شده است.

آماج اصلی: ثروت و هویت ملی در خطراست

نقشه دشمن کاملاً ترسیم شده است. آماج این عملیات، نقاط راهبردی و ثروت‌های ملی ایران در جنوب است:

- جزایر سه‌گانه: تنب بزرگ، تنب کوچک و بوموسی - خط قرمز تمامیت ارضی ایران
- جزایر چهارگانه تنگه: هرمز، لارک، قشم، هنگام - کلیدهای کنترل تنگه هرمز
- جزیره خارک و خارکو - شاه‌رگ حیاتی نفتی ایران
- حوزه نفتی بهرگانسر - یکی از مهم‌ترین میادین ثروت ملی

دشمن با تکیه بر جریان‌های داخلی هم‌صدا با خود، تلاش دارد فضای سیاسی را چنان منفعلانه پیش ببرد که افکار عمومی درگیر «شروط آتش بس» و «مذاکره» شوند، در حالی که پشت این پرده، ماشین جنگی برای تصرف منابع حیاتی و جزایر راهبردی ایران صف‌آرایی کرده است.

نتیجه‌گیری نهایی: فریب را بنسایم

طرح پایان جنگ یا همان مذاکره نوع دوم، وقتی با حضور نیروهای آماده‌باش واحدهای تهاجمی همراه شود، دیگر «دیپلماسی» نیست؛ پوششی برای عملیات نظامی است. کسانی که در داخل با این جریان هم‌صدا می‌شوند - در هر لباس، عنوان و جایگاهی که باشند - هم‌دست با دشمنان نظام و انقلاب محسوب می‌شوند.

بصیرت امروز، درک این هم‌زمانی «زبان مذاکره» با «پای صندوق‌های نظامی» دشمن است. دشمن با دو بال هم‌زمان پیش می‌آید:

- بال اول: تحمیل مذاکره و آتش بس - که جریان داخلی هم‌صدا آن را تقویت می‌کند
 - بال دوم: تهدید نظامی و تصرف - که نیروهای پیاده‌شده در منطقه آن را عملیاتی می‌کنند
- اگر این فریب راهبردی را تشخیص ندهیم، هم جزایر و منابع ملی را از دست خواهیم داد، هم موجودیت نظام جمهوری اسلامی ایران در قالب معامله‌ای جدید، به گروگان توهم صلح سپرده خواهد شد.

همه این موارد - از ترمدهای چنددهه برخی سیاسیون، تا عدم برخورد قاطع با کودتاگران، تا طرح شروط خلاف عزت در لباس دیپلماسی، تا اصرار بر تکرار مذاکراتی که جز گستاخی دشمن نتیجه‌ای نداشته - همگی حکایت از یک جریان خطرناک دارد: تلاش برای تحمیل پایان جنگ به امام خامنه‌ای و تغییر مسیر انقلاب با زبان «واقع‌بینی» و «دیپلماسی». بصیرت امروز، ایستادن در برابر این جریان حق‌نما و افشای پیوند میان «صلح تحمیلی» و «خیانت به خون شهدا» است. راهی که امام شهدا (ره) نشان داد و رهبری انقلاب بر آن پافشاری می‌کنند، راهی جز عزت، مقاومت و انتقام قاطع از دشمن ندارد. هر سخن دیگری، هرچند با توجیهات فنی و امنیتی پوشانده شود، خیانت به مکتب، شهدا و امام امت است.

اجازه ندهیم بر سر موجودیت نظام جمهوری اسلامی ایران، در قالب مذاکره و پایان جنگ، معامله‌ای جدید با دشمنان صورت بگیرد. هشیار باشیم که قطع دو بال دشمن، وظیفه امروز همه آگاهان و دلسوزان نظام است.

فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتَرَكُمُ أَعْمَالِكُمْ
پس [با توجه به باری و کارسازی خدا] سست نشوید و [کافران و مشرکان را] به آشتی و صلحی [که برای شما خفت‌بار است] دعوت نکنید، در حالی که شما برتر هستید و خدا با شماست. (محمد، ۳۵)
وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَى أَمْرِهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ
وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ

تصرف و دستبرد نیست.